

کشاکش او ناخواسته باعث مرگ یک شکارچی غیرقانونی می‌شود و حکم اعدام می‌گیرد. افراتوانسته بود بخشی از مشکلات کاری وزندگی محیط‌بانان شریف را به تصویر گشود. از همین رو اغلب لوکیشن‌های این سریال در جنگل‌های زیبای گیلان بود.

قصه شیرزن گیلانی

احمد کاوری سال ۱۳۹۸ تصمیم گرفت داستان شیرزن گیلک و قهرمانی به نام «وارش» را به تصویر بکشد که باهمه مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند و با این حال می‌ایستد و درین این نام‌لایمات قد می‌کشد. در فعل نخست مجموعه، بخش‌های مربوط به دهه‌های ۳۰ و ۴۰ فیلم‌برداری شد. فعل دوم هم به دهه ۵۰ و حوادث منتهی به پیروزی انقلاب و تأثیرات آن بر فضای داستان و سرنوشت شخصیت‌ها می‌پرداخت. این مجموعه اقتباسی از رمان مطرح «مهاجران» اثر هوارد فست بود. اغلب لوکیشن‌های این سریال در روستایی در شمال گشور مقابل دوربین رفت و الهام طهموری و نسرين بابایی نقش وارش را در دو مقطع سنی بازی کردند.

ازدواج خون‌بس

شاید کمتر سریالی در استان گلستان ساخته شده باشد و مخاطب با قصه‌ها و جذایت‌ها و حتی مشکلات مردم این استان زیاد آشنا نشده باشد اما سیروس حسن پور در سال ۱۳۹۷ «بازی نقاب‌ها» را در بندر ترکمن کلید زد و مخاطبان را با فرهنگ و تمدن قوم ترکمن آشنا کرد. داستان از این قرار بود که دو طایفه ترکمن یکی در کار اسب و دیگری در کار گدم، بعد از سال هانزاده و درگیری خونین، تصمیم به مصالحه گرفتند و دو جوان از این دو طایفه که پدران شان به دست هم کشته شده‌اند، با هم وصلت کردند.

رقات بر سر یک عشق

«گل دخت» عنوان مجموعه‌ای بود در این درام تاریخی به کارگردانی مجید اسماعیلی که سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ ساخته شد و از تولیدات مرکز فیلم و سریال معاونت بُرون موزی سازمان صداوسیما بود. داستان سریال از این قرار بود که آسف میرزا، بادرزاده مظفر الدین شاه دری بی دست آوردن دل گلنار دختر تقوی خان بود اما خاطر خواهی او رنگ و بوی از عشق حقیقی نداشت. آصف، رقبی سرخست به نام اسماعیل میرشکار داشت که از قضا گلنار نیز دلباخته او بود. گل دخت به واسطه داستان و لوکیشن‌هایش در شمال گشور توانست مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار گیرد.

یک مهاجرت معکوس

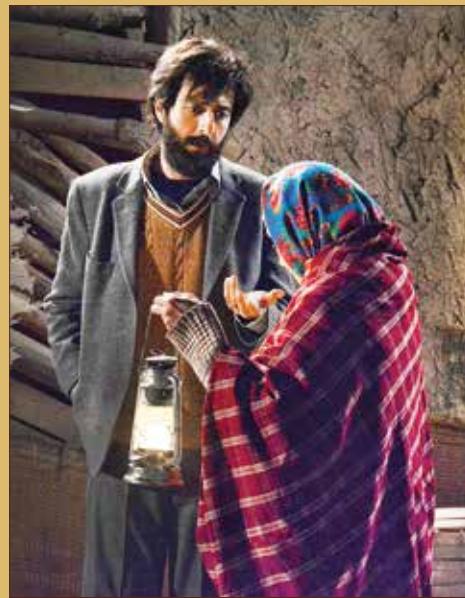
محمد رضا حاجی‌غلامی سال ۱۴۰۰ مجموعه‌ای به نام «روزهای آئی» را ساخت که قصه آن پیرامون خانواده‌ای بود که بنا به دلایل از شهر به روستایی در شمال گشور می‌روند و تغییر سبک زندگی شان دست‌مایه اصلی داستان می‌شود. در این سریال مهاجرت معکوس را شاهد بودیم که می‌تواند الگوی خوبی برای عده‌ای از خانواده‌ها باشد که توان زندگی در پایتخت راندارند و به ناچار به روستا فرکرده، در آجا اقامات می‌کنند و با مشکلات و ماجراهای بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند.

دعوت به ساده زیستی

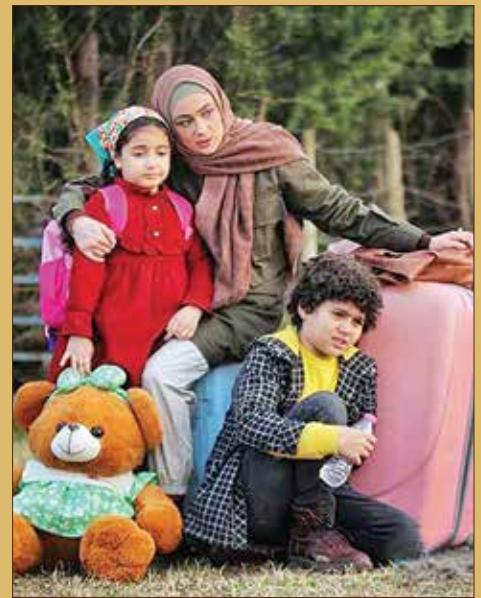
«خانواده دکتر ماهان» مجموعه‌ای به کارگردانی مشترک راما قویدل و علی محمد قاسمی است که سال ۱۳۹۸ ساخته شد. این مجموعه در سایش زندگی و خوشبختی خانوادگی است؛ داستانی که مخاطب‌ش را به ساده‌زیستی داوطلبانه دعوت می‌کند. از منظر دکتر ماهان که یک دامپزشک است، زندگی یک اهانفه و ناشناخته است از همین رو امیر عطش و التهابی دارد تا همسر و فرزندان نوجوانش را بخود در ماجراجویی شنیدن نوای اسرارآمیز طبیعت و پاسداری از زیست بوم همراه کند. خانواده دکتر ماهان به شمال گشور سفر می‌کنند و با اتفاقات جذاب زندگی در روستا روبرو می‌شوند.

یال‌های نوشتیم که در شمال گشور مقابل دوربین رفتند

ابو جنگل و دریا



استقامت از رنج‌ها و سختی‌های زندگی، گذر می‌کرد. این مجموعه هم در استان گیلان مقابل دوربین رفت.



بیرد. در همین زمان رستوران متروکه‌ای در شمال گشور به عنوان ارث به همسر این مرد می‌رسد. محبوبه، همسرش خانواده را راضی به رفتن به شمال و اداره این رستوران برای سرو‌سامان داد و بواره به زندگی شان می‌کند. این داستان مجموعه‌ای به نام «جاده چالوس» بود که احمد معظمی آن را سال ۱۳۹۷ ساخت. نقطه قوت سریال فاصله گرفتن از لوکیشن‌های شهری و به دل طبیعت زدن بود که فضای بکر و شیوه زندگی مردم را در طبیعت نشان داد.

زنگی در یک رستوران جاده‌ای

پونه و امیر، زوج جوانی هستند که به دلایل مختلف از جمله مشکل تنفسی پونه و اخراج امیر از محل کارش تصمیم می‌گیرند برای زندگی به شمال ایران بروند. آنها با مشکلات بسیار پول خرید زمینی در آن منطقه را فراهم می‌کنند ولی وقتی به شمال می‌روند، متوجه می‌شوند بنگاه معاملاتی که از طریق آن زمین را خریده‌اند، کلاهبردار بوده است. آنها تلاش می‌کنند تا به نجوى زندگی خود را از طریق رستوران تامین کنند. در این بین آن دو باما جراحتی مواجه می‌شوند. این سریال راسیروس مقام سال ۱۳۸۳ ساخت و جزو آثاری بود که کارگردان بیشتر داستانش را در شمال گشور و جاده روایت کرد. دقیقاً یکی از نکات مثبت سریال همین مسأله بود. باران‌های شمال و مشکلاتی که پس از سیلاب به وجود می‌آمد و گردشگرانی که بزباله‌های خود را در طبیعت رها می‌کردند از درونمایه‌های این سریال بود.

پناه بردن به کلبه‌ای روستایی

«کلبه‌ای درمه» مجموعه‌ای به کارگردانی حسن لفافیان بود که سال ۱۳۹۹ ساخته شد. نام این سریال ابتدا «می‌جان» بود اما با شیوع بیماری کرونا و تأخیر در ساخت، عوامل و کارگردان این سریال تغییر کرد و نام سریال هم کلبه‌ای درمه شد. داستان این سریال در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و در روستایی در گیلان می‌گذشت؛ زمانی که پسری جوان که بعد معلوم می‌شود فعال سیاسی است و ماموران ساواک به دنبال او هستند، زخمی و بد حال به روستایی آید و می‌جان و نامادری اش تصمیم می‌گیرند جوان زخمی را در کلبه‌ای که کسی از وجود آن خبر ندارد، مخفی کنند. اتفاقاتی که پیرامون آن فرد می‌افتد، داستان سریال را رقم می‌زند.

مصالح یک محیط‌بان

مصالح و مشکلات یک محیط‌بان درونمایه سریالی به نام «افرا» بود که بهزیگ توفیقی آن را در سال ۱۴۰۰ ساخت. لوکیشن‌های این سریال در استان گیلان و به خصوص لاهیجان بود. سریال داستان مسعود، محیط‌بانی بود که از زندگی با همسرش مهتاب ناراضی به نظر می‌رسید. در این

فریدون حسن پور بار دیگر شمال گشور را برای روایت داستانش انتخاب کرد و سال ۱۳۹۳ مجموعه «گذر از رنج‌ها» را ساخت. این مجموعه، قصه زندگی بانویی به نام دنیا از تام‌گر بود. این مجموعه درام تاریخی داستان زندگی دنیا را از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ به نمایش درآورد و به تغییرات سیاسی ایران هم توجه شده بود. در این مجموعه به ماجراهای خان و رعیت‌های توجه می‌شد و این که چنین رویدادهایی باعث شد آگاهی مردم نسبت به مشکلات روز بیشتر شود. در این سریال با یک قهرمان زن گیلانی مواجه می‌شدیم با